



The Model of Criminal Justice in the Thoughts of Imam Ali (AS): Toward a Model of “Alavi’s Criminal Policy”

Mehrdad Rayejian Asli*¹, Mahdi Khaghani Esfahani²

1. Member of Department of Law and Jurisprudence, The Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Member of Department of Law and Jurisprudence, The Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 153-168

Corresponding Author’s Info

ORCID: 0000-0003-0693-1888

TELL: +989111540904

Email: m.rayejian@samt.ac.ir

Article history:

Received: 17 Aug 2021

Revised: 21 Oct 2021

Accepted: 25 Nov 2021

Published online: 22 Dec 2021

Keywords:

Alavi’s Criminal Justice,
Islamic Judicial Jurisprudence,
Human Rights and
Government, Fair Trial,
Iranian Criminal Policy.

ABSTRACT

“Criminal justice” is a field of study in the realm of contemporary criminal sciences, which derives from legality and law enforcement. In terms of its subject and content, criminal justice and criminal policy can be defined as the same concept with two terms from two different discourse-conceptual origins, which are also referred to as “criminal justice policy” in some references. This article, by adhering to the same concept of criminal justice and criminal policy and assuming criminal policy in the heart of criminal justice, examines the models coming from this concept, from an approach called “Alavi’s criminal justice”. In the light of this concept of criminal justice, the problematic point of the article is to seek a model of Alavi’s criminal policy in the Islamic Republic of Iran. The meaning of Alavi’s criminal policy model is the redefining of criminal justice policy in the light of Imam Ali’s thoughts or the Alavi’s criminal justice policy, which is defined and measured by the criteria of Islam. Alavi’s criminal justice and its policy-making, in the light of the six-fold models of criminal justice in contemporary criminal sciences, includes a chain of models that can be divided from the crime control model, due process model, rehabilitation model, to the equal justice model, non-intervention model and restorative justice model.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Rayejian Asli, M & Khaghani Esfahani, M (2021). “The Model of Criminal Justice in the Thoughts of Imam Ali (AS): Toward a Model of “Alavi’s Criminal Policy””. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(4): 153-168.



انجمن علمی فقه‌جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

مدل‌شناسی عدالت جنایی در سیره امام علی (ع): به سوی الگوی سیاست جنایی علوی

مهرداد رایجیان اصلی^{۱*}، مهدی خاقانی اصفهانی^۲

۱. عضو هیأت‌علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. عضو هیأت‌علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

چکیده

«عدالت جنایی» قلمرویی مطالعاتی در پهنه علوم جنایی معاصر است که عصاره آن از قانونمندی یا قانون‌روایی و اجرای قانون تشکیل می‌شود. از نظر موضوع و محتوا، عدالت جنایی و سیاست جنایی را می‌توان ترجمان یک مفهوم با دو اصطلاح از دو خاستگاه گفتمانی - مفهومی مختلف تعریف کرد که در بعضی از مرجع‌ها، «سیاست عدالت جنایی» نیز خوانده شده است. این مقاله، با پای‌بندی به مفهوم ترجمانی عدالت جنایی و سیاست جنایی، و مفروض‌گرفتن سیاست جنایی در بطن عدالت جنایی، مدل‌های مترتب بر مفهوم اخیر، را از رهیافتی که در این‌جا «عدالت جنایی علوی» نامیده می‌شود، بررسی می‌کند. در پرتو این مفهوم از عدالت جنایی، مسأله مقاله، در جست‌وجوی یک الگوی سیاست‌گذاری جنایی علوی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. منظور از الگوی سیاست جنایی علوی، بازتعریف سیاست‌گذاری عدالت جنایی در پرتو اندیشه‌های امام علی (ع) یا همان سیاست عدالت جنایی علوی است که با معیار اسلام تعریف و سنجیده می‌شود. عدالت جنایی علوی و سیاست‌گذاری برآمده از آن، در پرتو الگوی شش‌گانه عدالت جنایی در علوم جنایی معاصر، زنجیره‌ای از مدل‌ها را دربرمی‌گیرد که می‌توان آن‌ها را از مدل کنترل جرم، فرایند قانونی، اصلاح و بازپروری، تا مدل برابری‌خواه، مداخله‌پرهیزی کیفری، و عدالت ترمیمی دسته‌بندی کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۳-۱۶۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۱۸۸۸-۰۶۹۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۵۴۰۹۰۴

ایمیل: m.rayejian@samt.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت جنایی علوی، فقه‌القضاء، حقوق بشر و حکومت، دادرسی عادلانه، سیاست جنایی ایران.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

کنترل پیشینی و پسینی انحرافات و جرایم از طریق جلب مشارکت مردم در سطوح عدالت جنایی با توسل به تدابیر اصلاحی و تأدیبی و جبرانی و ترهیبی است. شش عنصر در بطن سیاست جنایی وجود دارد که عبارتند از: جرم و جرم‌انگاری، انحراف، دولت، جامعه مدنی، نظام پاسخگویی شناور و انعطاف‌پذیر در قبال جرم و انحراف، و پیشگیری از بزه و کژروی. همچنین، عوامل ایدئولوژیک، عوامل سیاسی، و عوامل جامعه‌شناختی و فرهنگی از مهم‌ترین اسباب ضعف نظام‌های سیاست جنایی در انجام رسالت خود است. سیاست جنایی اسلام، بر اصولی همچون رعایت کرامت انسان، عدالت‌مداری، تساهل و تسامح و کمینه‌گرایی در کیفر و اصول اخلاقی دیگری استوار است.

سیاست جنایی، یک حوزه بین‌رشته‌ای از معرفت است که علاوه بر ابعاد ایدئولوژیک و نیز علمی، باید ویژگی مدیریتی داشته باشد؛ نه موردی و قیاسی و فتوایی. از این جهت، نمی‌توان چنین دیدگاه مضیق و ساده‌انگارانه‌ای را پذیرفت و لذا، «مادام که آموزه‌های فقه جزایی صرفاً ترجمه از فقه و تزریق به قانون بدون روزآمدسازی مصلحت‌بنیاد باشند (خاقانی اصفهانی، ۱۴۰۱: ۸۲) و آموزه‌های سیاست جنایی غربی و اقتضائات جامعه ایرانی در کنار فقه جزایی - اگرچه در رتبه اعتباری پایین‌تری از فقه - سه منبع سیاست جنایی بومی در نظر گرفته نشوند بر ساخت منسجمی از سیاست جنایی اسلامی قابل ارائه نیست.

با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نوع نگاه معرفت‌شناسانه حاکم بر آن، «عدالت» به مثابه مهم‌ترین هدف تمدنی انبیای الهی و هدف متعالی حرکت بشر در اجتماع، به عنوان نظریه مبنایی نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد. «نظریه عدالت ناب» در جمهوری اسلامی ایران، بر اساس رویکرد اسلامی و متمایز از رویکردهای مطرح در نظریه‌های غربی، علاوه بر منشأ «حق‌مدار» خود که مبتنی بر ارزش‌های اصولی اسلام است، مقصدی «وظیفه‌مدار» تحت عنوان «عدالت‌ورزی» را نیز در خود دارد که تحقق عدالت حداکثری را به عنوان وظیفه‌ای الهی و نه فقط تکلیفی دنیوی، دنبال می‌کند. از این رو،

از نظر تاریخ تحول علوم جنایی، عدالت جنایی، به مثابه یک واژگان اصطلاحی، در یک سده گذشته، در نوشتگان انگلوآمریکن مفهوم‌سازی شده است. پیش از آن، مفهوم دیگری با عنوان «سیاست کیفری»، در سال‌های آغازین سده نوزدهم در گفتمان اروپایی (آلمانی) مفهوم‌سازی شده بود که سپس، در سده بیستم، به مفهوم گسترده‌تری، زیر عنوان «سیاست جنایی»، با مفهوم‌سازی شد. عدالت جنایی و سیاست جنایی در واقع، نمایان‌گر یک مفهوم با دو اصطلاح از دو خاستگاه گفتمانی - مفهومی مختلف هستند و به همین دلیل در نوشتگان علوم جنایی معاصر، با تعبیر «سیاست عدالت جنایی» نیز به کار می‌روند.^۱

طبق نخستین تعریف، عدالت جنایی، عبارت است از قانون‌روایی و اجرای قانون نسبت به پدیده جنایی (جرم/بزه) و کنش‌گران و کنش‌پذیران این پدیده (به‌ویژه، بزه‌کار و بزه‌دیده)، که از یک سو، مستلزم یک فرایند چندمرحله‌ای، و از سوی دیگر، نیازمند یک سامانه تشکیلاتی است. فرایند عدالت جنایی، به طور معمول، پنج مرحله کشف جرم و شناسایی بزه‌کار، تحقیق و پی‌گرد آن، رسیدگی یا دادرسی جنایی، و تعیین کیفر یا محکومیت (کیفردهی)، و اجرای کیفر یا محکومیت را دربرمی‌گیرد. سامانه عدالت جنایی، بر همین اساس، نهادها یا سازمان‌های متولی یا مجری مرحله‌های پنج‌گانه را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: پلیس، مقام یا مرجع تحقیق و پیگرد (مثل دادسرا در ایران یا مرجع پیگرد سلطنتی در انگلستان) دادگاه، دایره‌های اجرای احکام، و سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی (Garner, 2009, 431).

سیاست جنایی، در واقع، مدیریت پیشگیری و پاسخ‌گذاری جزایی و پیراجزایی (اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و...) برای

^۱ - برای نمونه، بنگرید به:

Lane, J. et al. (1998) Criminal Justice Policy. The International Library of Comparative Public Policy series. EE Elgar Publishing, at <https://www.e-elgar.com/shop/gbp/criminal-justice-policy-9781858985688.html> (September 6, 2023).

همچنین، بنگرید به مجله‌ای با همین عنوان با مشخصات زیر: Criminal Justice Policy Review (CJPR), at <https://journals.sagepub.com/home/cjp> (September 6, 2023)

گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر ساحت نظر، در ساحت عمل نیز باید نقطه ثقل همه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های اجتماعی باشد.

امام علی (ع) در جایگاه حاکم کوشید جماعت زمانه خود را به سوی همبستگی ارگانیک سوق دهد. همچنین، از حیث تقسیم کار اجتماعی، ایشان ارزش‌های اسلامی به‌ویژه عدالت را بر اساس نوعی همبستگی اجتماعی شکل داد (صدریه، ۱۳۹۸: ۱۶۷)؛ خصیصه‌ای که کیفرهای اجتماع‌محور مورد تعیین از سوی حضرت نیز متجلی است. وانگهی، در مورد نسبت سه‌گانه مفاهیم عدالت، قدرت و نظام سیاسی، پژوهش‌ها (رضائی و میراحمدی، ۱۳۹۷) نشان می‌دهد امام علی (ع) ضمن تبیین نسبت عدالت و قدرت، تأثیر آنها را بر تداوم نظام سیاسی توضیح داده، و از این رهگذر، رهیافتی جهت‌رهایی از خودکامگی سیاسی، و مجالی جهت اعتلای سیاست دادگرانه، در ذهن و عمل خود به بروز رسانده است؛ امری که در کنشگری قضایی حضرت امیر (ع) به مثابه یک حکمران - قاضی، همسویی سطوح حقوق عمومی و حقوق جنایی و علوم سیاسی را در گفتمان سیاست جنایی علوی نشان می‌دهد.

در این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از ابزار کتابخانه‌ای، با پای‌بندی به مفهوم ترجمانی عدالت جنایی و سیاست جنایی، و مفروض گرفتن سیاست جنایی در بطن عدالت جنایی، مدل‌های مترتب بر مفهوم اخیر، از رهیافتی که در این‌جا عدالت جنایی علوی (یعنی، عدالت جنایی در اندیشه‌های امام علی (ع)) نامیده می‌شود، بررسی می‌شوند. در پرتو رهیافت علوی به عدالت جنایی، مسأله مقاله در جست‌وجوی یک الگوی عدالت جنایی علوی در نظام سیاست‌گذاری جنایی جمهوری اسلامی ایران است. منظور از این رهیافت و الگوی مبتنی بر آن، بازتعریف عدالت جنایی با معیار آموزه‌های اسلامی (با تأکید بر اندیشه‌های امام علی (ع): نظریه عدالت جنایی علوی) است. هم‌چنین، منظور از این الگو، رهیافتی است که با داشتن ویژگی‌های مدل‌های معاصر عدالت جنایی، رویکرد اسلامی - علوی را به‌منزله معیار خود دربردارد. در گفتمان علوم جنایی معاصر، با در

نظرگرفتن جنبه‌های ملی و بین‌المللی عدالت جنایی، از جمله کنگره‌های پنج‌سالانه پیش‌گیری از جرم و عدالت جنایی سازمان ملل متحد، به طور کلی، می‌توان شش مدل را در این گفتمان شناسایی و بررسی کرد. مدل عدالت جنایی علوی می‌تواند الگویی تلفیقی از این شش‌گانه باشد.

۱- پیشینه پژوهش و مبانی نظری امکان‌سنجی بساخت «طرح‌واره سیاست جنایی علوی»

گرچه استخراج مدل یا حتی یک طرح‌واره محدود از آنچه بتوان آن را «سیاست جنایی برگرفته از معصومین (ع) یا حتی یکی از ذوات مقدسه عصمت و طهارت (ع) نامید در پژوهش‌های منتشر به چشم نمی‌آید، اما اجزاء محدودی از یک نظم بایسته برای تدوین یک رژیم حقوقی قابل صدق بعنوان یک سیاست جنایی، مورد کوشش و مدعای برخی پژوهش‌ها بوده است. از این رو، این تحقیقات را با مسامحه می‌توان تلاش‌هایی در راستای تبیین مبانی نظری امکان‌سنجانه از استخراج طرح‌واره سیاست جنایی» از سیره معصومین (ع) برشمرد.

عبدالجبار زرگوش‌نسب و حشمت‌اله عباسی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای پیرامون عوامل بزهکاری از منظر نهج‌البلاغه و راهکارهای علوی مهار جرم، که در شماره ۲۱ پژوهشنامه علوی منتشر شده است، در تلاش برای تبیین عناصری از سیاست جنایی پیشگیرانه مورد ابتکار امام علی (ع) راهکارهای مقابله با جرایم را با مطالعه نهج‌البلاغه، شامل اقداماتی از جمله ساماندهی استعدادهای اجتماعی در راستای تقویت اجتماعی، جلب اعتماد ملی، ارائه نقشه راه در راستای اهداف آرمانی، ارتقای کرامت انسان و اخلاق اجتماعی، تشویق به رعایت قوانین و نظم و احکام فقهی، پرهیز از امتیازدهی و ویژه‌خواری، رعایت حقوق متقابل امام و امت، اعمال نظارت، تقویت تدابیر ارتباط دینی، ارائه راهکارهای فرهنگی در راستای به‌کارگیری منابع قدرت و مبارزه با مفاسد اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی و تشکیل نظام سیاسی مردم‌سالار بر مبنای التزام دینی دانسته است.

سید محمود میرخیلی و محمد حسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی پیرامون سیاست جنایی متمایز در سنت امام علی (ع) بر پایه

اصولی حقوقی، مانند ملاحظه مصلحت و تأکید بر اجتهاد به خوبی نمایانگر انطباق‌پذیری و انعطاف‌گرایی حقوق اسلامی است. شماری از متخصصان حقوق اسلامی و بیشتر اصلاح‌گرایان و حقوقدانان مسلمان، نظیر شاطبی، خدوری و صبحی محمصانی از میان اهل سنت و بزرگانی، همچون میرزای نائینی، امام خمینی، شهید مطهری و گروهی دیگر از علمای شیعه این دیدگاه را پذیرفته‌اند.

«بی‌تردید عدالت، در نظام قضایی اسلام برخاسته از آموزه‌های قرآن، روایات و سیره عملی معصومین (ع) خصوصاً حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است که شالوده و شاکله نظام قضایی اسلام را تشکیل می‌دهد» (موسوی بجنوردی و روحانی، ۱۳۹۱: ۱۹) و فضائل اخلاقی و صفات خاص مورد نیاز در شخصیت و رفتار قاضی اسلامی، از منابع اسلامی قابل استخراج و مدلسازی است. با لحاظ مهم‌ترین فضیلت‌های قضایی شامل «قانونمندی، فهم و دانش حقوقی، عقل و ادراک قضایی، شجاعت، خویشتنداری، تواضع، بی‌طرفی، استقلال، فسادناپذیری، مهارت قضایی، عدالت و شفقت» (سمائی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۹)، رویکرد فضیلت‌گرا به قضاوت، مبتنی بر سیره قضایی امام علی (ع) امکان برقراری گفت‌وگویی غنی میان فضیلت‌گرایی مدرن و سنت فقهی را امکان‌پذیر می‌نماید. هرچند برخی از اوصاف قاضیان در فقه سنتی با ارزش‌های برابری طلبانه مدرن نمی‌خوانند و در نظام حقوقی مدرن کاربست‌پذیر نیستند، اما طراحی یک الگوی بومی اسلامی - ایرانی از جذب و پایش قضات - الگویی نه ترجمه نظام منابع انسانی قضایی کشورهای غربی، و نه صرفاً محدود به آموزه‌های کلی قضاء در فقه شیعی - این آشتی را می‌تواند فراهم آورد و عناصر ارزنده تجارب غربی و شرقی و هنجارهای اسلامی را در برساخت الگوی مطلوبی به نام «قاضی تراز جمهوری اسلامی ایران» جای دهد و تعامل بخشد. آموزه‌های سیاست جنایی علوی، بخش مهمی از منابع برساخت نقشه راه برای طراحی این الگوی آرمانی است. بر این اساس، بومی‌سازی سیاست جنایی، پای در سنت و رو به آینده، طرح منسجم و برگرفته از جانمایی تمام این آموزه‌ها (قطعات پازل) در سامانه پیچیده الگوی آرمانی «سیاست جنایی ایرانی - اسلامی بومی» خواهد بود.

تحلیل گفتمان عهدنامه مالک اشتر، که در شماره ۵۸ فصلنامه حقوق اسلامی به زیور طبع آراسته شده، پس از بحث بر آنکه در استفاده از عهدنامه مالک در فهم و کسب معرفت دینی، رغبت شایسته مشهود نیست، سبب اصلی بی‌میلی را اتصاف نهج‌البلاغه و عهدنامه به ضعف سند و نقل کلام امام علی (ع) به شیوه رجالی مرسله، ابراز داشته و با تحلیل اعتبار عهدنامه و پاسخ‌گویی به شبهات دلّالی، سندی و رجالی فراروی آن مدعی شده است که نامه شماره پنجاه و سوم امام علی (ع) در جهت تدوین سیاست جنایی متمایز از سند متقن و قابل اعتماد در استنباط فقهی تدوین گردیده است. آنچنان که پیاداست، موضوع این مقاله، اثبات فقدان اشکالات سندی و دلالتی عهدنامه مالک بوده و نه تبیین سیاست جنایی علوی بر اساس عهدنامه مالک.

پژوهش بر سیاست جنایی پیشگیرانه در تعالیم و آموزه‌های نظری و سیره عملی مولا علی (ع)، موضوع پژوهش‌های دیگری از جمله مقاله «واکاوی رهیافت‌های پیشگیرانه از جرم از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه» نیز بوده است؛ تحقیقی از سجاد صمدوند و حمید طالب‌زاده که در شماره ۲۴ پژوهش‌نامه علوی چاپ شده و بحث نموده است که پیشگیری‌های وضعی و اجتماعی در کنار رهیافت‌های پیشگیری کیفری از بزه اعم از شدت، قطعیت، سرعت و شیوه اجرا در حوزه سیاست جنایی، از جمله آموزه‌های پیشگیری از جرم در نهج‌البلاغه بوده است.

گروهی معتقدند که حقوق اسلامی به خاطر مفهوم و ماهیت تکاملی و روش‌شناسی‌اش، ثابت و تغییرناپذیر است و از این‌رو، با تغییرات اجتماعی انطباق‌پذیر نیست و فقه اسلامی به‌مثابه یک حقوق قدسی تا اندازه‌ای واجد برخی جنبه‌های غیرعقلی و مقید و ناخودگردان است. اکثر فقیهان سنتی، اهل حدیث و اخباریون شیعه و همچنین اسلام‌شناسانی مانند اسنوک هرگرونیه^۱ و ژوزف شاخت^۲ بر این نظرند^۳ (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹). در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که

^۱ - Snouck Hurgronje

^۲ - Joseph Franz Schacht

^۳ - «اسنوک هرگرونیه» (۱۹۳۶-۱۸۵۷)؛ در: دائرةالمعارف بزرگی اسلامی،

۲- مدل‌پژوهی سیاست جنایی علوی در مدل‌های معاصر سیاست جنایی

سیره عملی امام علی (ع) و نقش پیروی از این شیوه مرضیه در استقرار عدالت قضایی در جامعه اسلامی نقش راهبردی دارد. در حدود ۱۴۰۰ سال پیش از پیدایش این اصول، با بررسی آرا و نظرات امیرالمؤمنین علی (ع) تمامی اصولی که در دنیای مدرن امروزی به دست آمده، از جمله اصل استقلال و بی‌طرفی مرجع قضایی، اصل علنی بودن دادرسی، رعایت برابری و تساوی میان طرفین دعوا، اصل برائت، اصل کرامت انسانی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (قبح عقاب بلابیان)، در گفتار و رفتار امام علی (ع) متجلی بوده، در حالی که اصطلاح دادرسی منصفانه و اصول آن به عنوان نمودهایی از حقوق بشر، همانا از دو قرن پیش به نظام‌های حقوقی معاصر راه یافته و این خود، ناشی از پیشرو بودن و عمق و غنای فراوان و سطح خردورزی آن حضرت در مسائل کیفری است. قضاوت‌های امیرالمؤمنین (ع) و دستورات و نامه‌های حضرت به مالک اشتر نخعی در رابطه با چگونگی انتخاب و بررسی صلاحیت قاضی (لنکرانی، ۱۳۷۳: ۱۵۱). و در به عنوان یک منبع سرشار اصول مترقی دادرسی عادلانه می‌باشد. ایشان در قضاوت‌های متعدد خود، مجموعه‌ای غنی و کامل از اصول دادرسی عادلانه را برای بشریت جویای عدالت به میراث گذاشته است.

در توجه اسلام به اصول دادرسی کیفری، آموزه‌های حضرت علی (ع) با عنایت به مدت حکمرانی نسبتاً قابل توجه ایشان و عینیت‌بخشی به اندیشه‌های اسلامی به مدد ابزار حکمرانی، نقش چشمگیری دارد. مولا علی (ع) محور قضاوت‌های اسلامی و برجسته‌ترین شخصیت قضای اسلامی است. حضرت، به مثابه الگوی کامل عدالت و دادگری با قضاوت‌های بی‌نظیر خود، قواعد و موازین فراوانی در حکمت و فقه اسلام پی‌ریزی فرمودند که استنادپذیری معاصر در احکام قضایی کنونی نیز دارد. از جمله اصولی که امام علی (ع) در رسیدگی و صدور حکم به آن‌ها توصیه نمودند: بحث استقلال قضایی، برطرف کردن نیازهای مالی قاضی، مساوات و برابری در تمام شئون دادرسی، برگزاری علنی دادرسی، تناسب کیفر (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷: ۳۲۲؛ نامه ۵۳: ۳۳۵)، حق

دفاع و بهره‌مندی از وکیل می‌باشد؛ همچنین ایشان هنگام اجرای حکم، اصول انسانی را در مورد محکومین رعایت می‌نمود (نهج‌البلاغه، خطبه اول: ۷؛ خطبه ۱۲۷: ۱۲۵؛ نامه ۴۷: ۳۲۱). ایشان در امور کیفری تا حد ممکن قوانین را به نفع متهم تفسیر نمودند و به اصولی اخلاقی و حقوقی چون رعایت اصل قانونی‌بودن مجازات و مساوات در مجازات‌ها (نهج‌البلاغه، نامه ۴۱: ۳۱۴) پای‌بند بودند (جعفری، ۱۳۹۲: ۳۰-۲۲). با بیانات مکرر درباره لزوم ارتزاق مالی قضات از بیت‌المال و نه از مردم، سیاست جنایی پیشگیرانه از فساد قضایی را تمهید فرمودند. این در حالی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهد «قضات ایران به لحاظ دریافت حقوق و مزایای شغلی به مراتب پایین‌تر از میانگین جهانی، با مشکلات مالی عدیده‌ای مواجه‌اند که این خود می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ناامنی قضایی و فساد شود که اساس نظام را تحت‌الشعاع قرار دهد.» (پیرنیاکان و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۶۳) چه، «زمانی که صحبت از استقلال دستگاه قضایی می‌شود، به نوعی مدیریت عالی آن به چالش کشیده می‌شود. از این رو، در گام دوم انقلاب اسلامی این موضوع مورد توجه قرار گرفته و انتصاب رییس قوه قضاییه از میان قضات مجتهد انجام پذیرفته است.» (پیرنیاکان، ۱۳۹۹) اهتمام قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به ملاکات شرعی قضاوت، نمود تداوم آموزه‌های سیاست جنایی علوی در قضاوت آرمانی است. بنابراین کامل‌ترین روش‌های قضایی را با توجه به تبلور کمال دین در کامل‌ترین انسان پس از رسول خدا (ص) یعنی علی ابن ابی‌طالب (ع) باید جستجو نمود.

مدل‌پژوهی سیاست جنایی علوی در مدل‌های معاصر سیاست جنایی، از این جهت اقدام به یک پژوهش سخت و خاص است که نمونه‌های نقل‌شده از سیره و کلام امام علی (ع)، صرفاً محدود به دادرسی کیفری علوی و حقوق کیفری عمومی علوی و حقوق کیفری اختصاصی علوی - یعنی دادرسی‌ها و احکام صادره ایشان، و کمی هم بیانات ایشان در حوزه علت‌شناسی جنایی و پیشگیری از جرم - است. استخراج مدل سیاست جنایی، در وضعیت فقدان تفکیک قوا در قرون گذشته و صدر اسلام موجب تفکیک‌ناپذیری سطوح سه‌گانه سیاست جنایی (سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی) و

ابداع قضایی امام علی (ع) است، اگرچه سخت اما شدنی به نظر می‌رسد.

۲-۱- مدل عدالت جنایی کنترل‌بنیاد

هدف سامانه دادگستری جنایی در این مدل عبارت است از بازداشتن جرم و بزه‌کاران با تحمیل ضمانت‌اجراهای کیفری، با این استدلال که کارآمدتر ساختن سامانه از این گذر، به بازدهی بیش‌تر آن می‌انجامد. هواداران این مدل، هدف اصلی کنترل جرم را حمایت از جامعه و بازداشتن بزه‌کاران با بهره‌مندی از کارکرد ناتوان‌ساز ضمانت‌اجراهای کیفری می‌دانند. به باور آنان، مردم خواهان حفاظت در برابر بزه‌کاران خطرناک‌اند و از دولت انتظار دارند که آنچه را لازم و ضروری است، بدین‌منظور انجام دهد. بدین‌سان، بزه‌کاران به این دلیل به کیفر می‌رسند، چون جامعه باید احساس امنیت کند. در پارادایم غربی، کنترل جرم، بخشی از فرایند مردم‌سالاری است و بر این فرض استوار است که جامعه با کیفر دادن بزه‌کاران احساس امنیت می‌کند و در واقع، این کار را برای مردم انجام می‌دهد. بنابراین، خود مردم در فرایند کنترل جرم سهیم دارند. در نتیجه، مدل کنترل جرم را می‌توان نمایان‌گر «سزادهی/سزاباوری» در پیش‌گیری واکنشی (کیفری) به‌شمار آورد.^۱ در پارادایم اسلامی، با توجه به توسل مدل کنترل جرم به اماره مجرمیت، این امر با رویکردهای عدالت شیعی در منافات به نظر می‌رسد. زیرا بر پایه منابع فقه امامیه، با تأکید بر فرض بی‌گناهی یا برائت، اماره مجرمیت به جز در برخی از جرم‌های مهم پذیرفتنی نیست (قپانچی و دانش‌ناری، ۱۳۹۱: ۱۷۸). هم‌چنین، امکان‌پذیری توسل به شکنجه در مدل کنترل جرم، با توجه به قاعده منع شکنجه و شناسایی حق سکوت متهم، هم در آموزه‌های اسلامی و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (مبنی بر بی‌اعتباری اقرار تحت تأثیر شکنجه) در منافات است. در نتیجه، می‌توان گفت که مدل کنترل جرم، به شکل مطلق‌گرایانه خود، نمی‌تواند در مدل عدالت

امکان‌پذیری ایضاح روابط اصلی از روابط اشتقاقی و فرعی پاسخ‌گذاری کیفری (دولتی - جامعه‌ی / شبه‌کیفری - مدنی، شبه‌کیفری - صنفی، شبه‌کیفری - پزشکی و...) می‌شود. برای نمونه، مقاله صمدوند و طالب‌زاده (۱۴۰۰) با عنوان «واکاوی رهیافت‌های پیشگیرانه از جرم از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه» بخش‌های محدودی از نهج‌البلاغه را تنها از منظر برخی رهیافت‌های پیشگیری از جرم بحث کرده‌اند، نه از منظر پیشگیری در دستگاه سیاست جنایی و روابط و مدل‌های سیاست جنایی. حتی مقاله میرخلیلی و حسنی (۱۳۹۷) نیز که عنوان «سیاست جنایی افتراقی در سنت علوی» دارد، فاقد منظر سیاست جنایی است و به تقسیم‌بندی جرایم در عهدنامه مالک اشتر (شواهدی از تفکیک جرایم یقه‌آبی‌ها و یقه‌سفیدها در عهدنامه) و تفصیلاً به اعتبار سندی نهج‌البلاغه و عهدنامه (تفه‌بودن راویانی همچون ابن‌ابی‌حید و حسین‌بن‌علوان و مسأله توثیق نجاشی و ابن‌عقده بر حسین‌بن‌علوان و شبهه غیرامامی بودن برخی راویان سندی روایات مذکور در نهج‌البلاغه و شبهه فقدان متن) پرداخته شده و اساساً این مقاله محتوای سیاست جنایی ندارد. با وجود سختی‌های مذکور از حیث تطبیق‌ناپذیری عدالت جنایی علوی با مدل‌های امروزی سیاست جنایی، اصول دقیقی همچون اصل اعتدال در کیفر، اصول دادرسی منصفانه، اصل تفکیک علت‌شناسی جنایی و اصول حکمرانی قضایی را می‌توان در عدالت جنایی علوی برجسته دید و به‌طور تقریبی، سخن از امکان نسبی مدل‌شناسی سیاست جنایی علوی گفت.

در سیره امام علی (ع) عناصر و سازه‌هایی از سیاست‌گذاری عمومی همچون برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، تصمیم‌گیری، گزارش‌دهی بودجه‌ریزی، کنترل، مدیریت منابع و روابط انسانی به‌جّد وجود داشته است (خنیفر، ۱۳۸۴: ۱۰۷)، و بر اساس نوآوری‌های قضایی منحصر به فرد امام علی (ع) - از جمله «زیادی جلد در شرب خمر، قطع نکردن دست سارق در مرتبه سوم سرقت، جمع بین جلد و رجم زانی، جدا کردن متهمان در جنایت واحد» (ملکوتی‌فر و ساریان‌نژاد، ۱۳۹۰) - تلاش برای مدن‌سازی و مدل‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی قضاوت بر اساس آموزه‌های اسلامی که در صدر آن منطق و

۱- برای نمونه، می‌توان به دو سامانه حقوقی آمریکا و کانادا نام برد. برای مطالعه بیش‌تر، بنگرید به:

نیز به قطعیت مجازات‌ها و اجرای علنی و قاطعیت و شدت کیفر جرایم یقه سفیدها تأکید داشت. همچنین مطالعات (فولادی و محسنی تبریزی، ۱۳۹۴) نشانگر راه‌کارهای سیاست کیفری امام علی (ع) از قبیل مجازات بدنی، مجازات روانی، مجازات سلب صلاحیت، مجازات اقتصادی و حتی اعمال مجازات سلب حیات از افراد هنجارشکن مطابق با برخی جرم‌ها و با در نظر گرفتن شرایط به‌کارگیری هریک از مجازات‌ها، در راستای برخورد قاطع و و کنترل‌بنیاد نسبت به جرایم خطیر و مجرمان خطرناک است.

۲-۲- مدل عدالت جنایی برخاسته از فرایند قانونی

خاستگاه مفهوم‌سازی این مدل به مقاله «دو مدل فرایند جنایی» (۱۹۶۴) و کتاب «محدوده‌های ضمانت‌اجراهای جنایی» (۱۹۶۸) از هربرت پاکر (استاد حقوق دانشگاه استنفورد) بازمی‌گردد، که آن را در برابر مدل کنترل جرم مطرح می‌کند. بر پایه مدل فرایند قانونی، هر کسی شایسته بهره‌مندی از حق‌ها و امتیازهای قانونی - اساسی است. همچنین، به دلیل احتمال اشتباه‌های قضایی-اجرایی، تصمیم‌های اتخاذشده در سامانه دادگستری جنایی باید به دقت بازبینی شوند (Siegel, 2012: 569). هواداران این مدل از چند اصل پشتیبانی می‌کنند:

- دادگری فردی‌سازی‌شده: یعنی توجه به شخصیت و پیشینه بزه‌کار (متهم-محکوم) در فرایند دادگری جنایی و تعیین ضمانت‌اجراء کیفری بر پایه این متغیرها.

- حمایت‌های قانونی: یعنی پیش‌بینی مقرره‌هایی برای حمایت از طرف‌های درگیر در فرایند دادگری جنایی، به‌ویژه با در نظر گرفتن تضمین‌هایی در مقرره‌های آیین دادرسی جنایی (از جمله، پیش‌بینی حق‌های دفاعی برای متهمان).

- حق‌های مدنی: یعنی شناسایی یا به‌رسمیت شناختن حق‌هایی برای افراد درگیر در فرایند دادگری جنایی در قانون اساسی و دیگر مقرره‌های مبتنی بر قانون اساسی (مانند «قانون حق‌های شهروندی»). در همین راستا، اختیارات دست‌اندرکاران دادگستری جنایی (به‌ویژه اختیارات پلیسی) باید هم‌سو با رفتار دادگراانه و احترام‌آمیز با بزه‌کاران (متهمان

جنایی برآمده از آموزه‌های اسلامی (عدالت جنایی/اسلام‌نگر) جایگاهی داشته باشد.

نظر به جمهوریت و اسلامیت نظام، سیاست جنایی اقتدارگرا در این حکومت پذیرفته نیست و در عرصه تئوری نیز، ویژگی اسلامی نظام، مانعی در راه آزادی‌گرایی به مثابه یکی از سه عنصر اساسی مدل‌های سیاست جنایی (آزادی‌گرا، برابری‌گرا، اقتدارگرا) ایجاد نمی‌کند و از قضا، چالش‌هایی مورد مواجهه فقه رایج تکلیف‌مدار سنتی تحت تأثیر تحولات ناشی از رویکرد حق‌مدار و آزادی‌گرا به سیاست جنایی، تغییرات پارادایمی ارزنده و بایسته‌ای را در سیاست جنایی جمهوری اسلامی، با عنایت به ظرفیت بنای عقلا، سیره متشرعه، استدلال‌های استحسانی و اجتهادات مصلحت‌آمیز^۱ - که جلوه‌ای از آن، در تغییرات فصل حدود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰ رخ داد، و تغییرات مرتبطی در قوانین کیفری بعدی نیز در همین راستا تحقق یافت - به ارمغان آورد.

سیره امام علی (ع) در عدالت جنایی نشان می‌دهد نحوه مواجهه حضرت در مقابل محرمات در دو قالب تدابیر بازدارنده و تدابیر واکنشی قابل تبیین است. هر کدام از این دو دسته، طیف گسترده‌ای از تدابیر را شامل می‌شود و کیفر تنها یکی از اقسام تدابیر واکنشی بوده است (جاویدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۲) و ایشان به کیفر - به شرط وجود ضرورت - تمسک جسته و اصرار بر مجازات‌کردن برای دفع محرمات و استفاده از آن بدون توجه به سایر تدابیر و تهمیدات پیشگیرانه و واکنشی غیرکیفری نداشته‌اند. پژوهش‌ها (غفاری المشیری و همکاران، ۱۴۰۰) نشان می‌دهد به رغم آنکه سیاست کیفری امام علی (ع) در رویکرد اصلاحی بر عفو و عدم ملامت مجرمان و پرهیز از برجسب‌زنی استوار بود، در رویکرد تنبیهی

^۱ - مصلحت‌گرایی، نمونه‌های فراوانی در سیاست جنایی علوی دارد؛ تغییر فتوی نزد امام علی (ع) بر حسب زمان و مکان صورت می‌گرفت، مثلاً یک بار زانی را با وجود شبهه تازیانه می‌زد و بار دیگر بر حسب آنچه که مشاهده می‌کرد و مصلحت می‌دید شلاق نمی‌زد. برای مطالعه تفصیلی درباره نقش انواع مصلحت در گونه‌های عدول از حکم اولی فقهی در قضاوت امیرالمؤمنین (ع) بنگرید به: ملکوتی‌فر و ساربان‌نژاد، پرتویی از آراء قهی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در کلیات حدود و گذری بر آثار آن در قانون جزای اسلامی، ۱۶۸-۱۴۱.

اجرای آن را صادر فرموده است: «خُدُوهُمْ فَلَيْسَ فِي الْخُدُوِّ نَظَرَةٌ سَاعَةً» (المحدث النوری، ۱۳۶۸: ۸/۱۸). غیر از روایاتی که صراحت بر تسریع در دادرسی دلالت دارد، از قواعدی همچون حرمت مداخله، حرمت ایذاء مؤمن و حرمت ضرر و زیان رساندن به مؤمن نیز می‌توان مسأله تسریع در دادرسی را استفاده کرد.

امام علی (ع) سده‌ها پیش از آغاز سیر تکامل دادرسی کیفری، به این هنجارهای شگرف عدالت جنایی از جمله اصل تساوی افراد در برابر قانون، اصل منع شکنجه، و اصل علنی بودن دادرسی، پایبند و بلکه واضح آنها بوده است (مؤذن زادگان، ۱۳۷۹: ۳۹). با این همه، تدابیر امیر مؤمنان (ع) در مقابل محرمات اختصاص به کیفر نداشته است. نحوه مواجهه حضرت (ع) در مقابل محرمات در دو قالب تدابیر بازدارنده و تدابیر واکنشی قابل تبیین است. هر کدام از این دو دسته طیف گسترده‌ای از تدابیر را شامل می‌شود و کیفر تنها یکی از اقسام تدابیر واکنشی بوده است. «در سیره امام علی (ع) کارکرد کیفر برای مقابله با محرمات به شرط وجود ضرورت، نفی نمی‌شود، اما اعتماد کامل بر آن برای دفع محرمات و استفاده از آن در هر موردی بدون توجه به سایر تدابیر و تمهیدات زیر سؤال می‌رود.» (جاویدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱).

برخورد قاطع حضرت با برادرشان عقیل که خواهان دریافت گندم اضافه بود، همچنین برابری مدار در رفتار مولا علی (ع) در ماجرای تقسیم بیت‌المال به رغم زیاده‌خواهی طلحه و زبیر و دستور به مالک اشتر به پایبندی به عهد و پیمان، جلوه‌هایی از سیاست جنایی پیشگیرانه حضرت از بروز اخلافات و انحرافات مالی بوده است.

۲-۳- مدل عدالت جنایی بازپرورانه

شعار اصلی این مدل عبارت است از «درمان، بهتر از کیفر است». مدل بازپروری بر یک فرهنگ کمک به دیگران

و محکومان) باشد. در نتیجه، می‌توان گفت که مدل فرایند قانونی، شکل حقوق بشری‌شده دادگری جنایی است که آموزه‌های سزاباوری و کاهش‌باوری در پیش‌گیری واکنشی را تعدیل می‌کند (Siegel, 2012: 569).

با توجه به اصول حاکم بر مدل فرایند قانونی، می‌توان آن را ترجمانی از مفهوم «دادرسی عادلانه/منصفانه» در آیین دادرسی جنایی به شمار آورد. با توجه به آموزه‌های اسلامی، دادستانان از وظایف و اختیارات دادرس (حاکم) محسوب می‌شود. زیرا حکم و قضاوت، معیار و میزان عدالت و دادگری خداوند است و بر اساس نخستین منبع حقوق و فقه اسلامی (قرآن)، اجرای عدل و احسان و داوری همراه با عدالت و دادگری همواره مورد تأکید بوده است که حکایت بر ضابطه مرجع بی‌طرف و مستقل در دادرسی عادلانه دارد (بهداری جهرمی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۴). افزون بر این‌ها، طبق آموزه‌های اسلامی، دادرس باید امکان دفاع برابر را برای طرف‌های دعوا فراهم سازد و هم‌چنان که در روایات (به‌عنوان دیگر منبع اصلی فقه اسلامی آمده است)، کسی که در مسند خطیر قضاوت نشست، باید بین طرف‌ها در اشاره و نگاه و جایگاه نشستن، تساوی را مراعات کند (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۱۳).

آن‌حضرت، همواره به قضات تأکید داشتند که در احقاق حقوق مردم و شاکیان و متهمان شتاب نکنند. سه نفر شاهد در محضر امیرالمؤمنین (ع) علیه مردی شهادت به زنا دادند. حضرت فرمود: «شاهد چهارم کجاست؟» آن سه نفر گفتند: «در مسیر راه هستند؛ الان می‌آیند.» حضرت دستور داد که حد قذف را بر این سه شاهد اجرا کنند، چون در اجرای حدود انتظار نیست (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۱۳/۷). روایت صراحت دارد بر اینکه حد بر شهود جاری شود. پس، فرد متهم به زنا آزاد می‌گردد، چون مداخله و تطویل و انتظار کشیدن جایز نیست. روایت فوق جایگاه سرعت در نظام قضایی اسلام را به‌عنوان یک اصل نشان می‌دهد، چون حد قذف با شهادت خود شاهدان - از آنجاکه کمتر از مقدار معتبرند - ثابت شده اما حد زنا هنوز ثابت نشده بود، چراکه اثبات زنا نیاز به اقامه چهار شاهد دارد. لذا، امام حد قذف را لازم‌الاجرا دانسته و دستور

۱- «وَلَنْ عَقَدْتَ بَيْتَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةً أَوْ الْبَيْتَةَ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَارَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْتَلَى نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ لِحْتِمَاءِ مَعَ تَقَرُّقِ أَهْوَالِهِمْ وَ تَشَتُّتِ أَرْوَاحِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْمُهْوَدِ» (نامه ۵۳ نهج البلاغه؛ عهدنامه مالک اشتر).

«نخستین هدف» حکومت اسلامی است و مولا علی (ع) غفلت از آن را موجب زوال و اضمحلال حکومت اعلام داشته‌اند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۲-۴- مدل عدالت جنایی برابری‌خواه

بر پایه این مدل، با افراد در مقابل جرم‌های یک‌سان باید به‌طور یک‌سان برخورد شود و تا جایی که امکان دارد باید اختیارات فردی دست‌اندرکاران دادگستری جنایی را کاهش داد یا کنترل کرد. هواداران مدل دادگری برابر، اصلاح بزه‌کاران را بیهوده، و برنامه‌های بازپروری را ناکارآمد می‌دانند، و بر این باور اند که چنین برنامه‌هایی افراد را از حمایت‌های برابر قانونی محروم می‌سازند؛ از جمله هنگامی که دو فرد مرتکب دو جرم یک‌سان می‌شوند، اما ضمانت‌اجراءهای متفاوتی دریافت می‌کنند و در واقع، فقط یک تن مشمول برنامه اصلاحی-درمانی می‌شود، چنین برنامه‌هایی نادادگرانه، بلکه نامنصفانه‌اند (Siegel, 2012: 568). پیامد این وضع، ایجاد یک احساس بی‌دادگری در سامانه دادگستری جنایی خواهد بود. پس، برای جلوگیری از این بی‌دادگری یا رفع آن، باید از روش کیفردهی معین بهره برد که بر پایه آن، همه بزه‌کارانی که مرتکب یک جرم معین می‌شوند، ضمانت‌اجراء کیفری یکسانی دریافت می‌کنند. کیفردهی معین، نخستین و شناخته‌شده‌ترین الگوی کیفردهی یا تعیین مجازات در سامانه‌های حقوقی شمرده می‌شود (مهرا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۰). در نظام حقوقی پس از انقلاب اسلامی ایران، مواردی مثل تعیین مجازات ثابت برای برخی از جرم‌ها (هم‌چون تعیین حداکثر مجازات برای بزه آدم‌ربایی در صورت نابالغ بودن بزه‌دیده) نمونه‌ای از این الگوی کیفردهی است. اگر به این ویژگی معین، ویژگی الزامی بودن کیفردهی نیز افزوده شود، مجازات‌های حدود و بعضی از کیفرهای تعزیری (مثل اعدام و حبس ابد در جرم‌های مواد مخدر) را نیز می‌توان در همین ردیف قرار داد.

امام علی (ع) با مصادره ثروت‌های کلانی که از سوی خلفای پیشین به اشخاص بخشیده شده بود موجب تسلی دل مستضعفان شد. در آموزه‌های اسلامی و علوی تبعیض و بی‌عدالتی جایی ندارد و اقشار جامعه از هر حیث با هم

استوار است؛ یعنی سامانه دادگستری جنایی به این دلیل به اصلاح و بازپروری بزه‌کاران می‌پردازد، چون فرهنگ هم‌پاری اجتماعی آن را می‌خواهد. هواداران این مدل می‌گویند که با مراقبت و درمان مناسب‌تر و مطلوب‌تر، بزه‌کاران را می‌توان به افرادی سازنده و مفید و قانون‌مدار تبدیل کرد. با توجه به متون اسلامی، می‌توان گفت که اصلاح و بازپروری بزه‌کاران در کنار بازسازی اجتماعی آنان، در اندیشه اسلامی اهمیت دارد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۸۴). البته، از دیدگاه اسلامی، اصلاح، معنایی گسترده‌تر از بازسازی اجتماعی دارد و به تغییر و تحول درونی بزه‌کار اشاره دارد. از این رو، گفته شده که هدف کیفرهای تعزیری، کمتر معطوف به دردآوری و خوارکنندگی و رسواکنندگی، و بیشتر معطوف بر بازپروری و اصلاح و تربیت و تزکیه نفس بزه‌کار است که با شیوه‌هایی چون توبه نیز کامل می‌شود. هم‌چنین، گفته شده که ویژگی‌های تهذیب و تطهیر در کیفرهای اسلامی، موجب استقامت روح و روان و تزکیه نفس بزه‌کار می‌شوند (موسوی‌فرد، ۱۴۰۰: ۸۳). وانگهی، در نگاهی عمیق‌تر، کیفرهای اسلامی نمودی از رحمت خداوند دانسته شده‌اند که مایه اصلاح فرد و جامعه می‌گردند.

در توفیق و اثربخشی تدابیر بازپرورانه در قالب کیفر یا پاسخ شبه‌کیفری، گسست راهبرد اصلاح و تربیت در داخل زندان نسبت به واقعیت‌های بیرون از زندان نباید مغفول واقع شود. محرک‌های بزهکاری و شدت و فور عوامل و سائق‌های جرم و تنگناهای معیشتی و اجتماعی در زیست اجتماعی، می‌تواند اثر برنامه‌های تربیتی بازپرورانه را تضعیف کند. حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) و دیگر معصومین (س) در عین آنکه اسوه زهد و دنیاگریزی و تقوا و ورع بودند اما بر وظایف حکومت اسلامی به تأمین رفاه اجتماعی و تأمین حداقل نیازهای مردم تأکیدات فراوانی داشته‌اند. در این باره، در منابع اهل سنت، روایتی از نبی اکرم (ص) در این باره نقل شده است: «هر حکمران که رهبر و متولی امور مسلمین باشد، اما بی‌دریغ در مسیر رفاه و اعتلای آنان جدّ و جهد نکند، توفیق همراهی آنان به بهشت را نمی‌یابد» (ابن‌حجاج نیشابوری، ۱۳۹۷: ۱۲۶). نامه به مالک اشتر، حاوی آموزه‌های ارزنده‌ای دائر بر توسعه رفاه و اهتمام به معیشت مردم به مثابه

برای نظریه مدرن قضات قاضی تراز ج.ا.ای بسا جذابیت و قابلیت نظریه‌پردازی و الگوسازی داشته باشد.

۲-۵- مدل عدالت جنایی مداخله‌پرهیز

این مدل نمونه دیگری از رهیافتی انتقادی به سامانه دادگستری جنایی است، زیرا آن را برچسب‌زننده یا انگ‌زننده می‌داند. شعار هواداران این مدل، بر این اساس، عبارت است از «هرچه کم‌تر، بهتر» (Siegel, 2012: 570) و بنابراین، از تدبیرهایی چون جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی و نهادزدایی (به‌ویژه در جرم‌های جنحه‌ای و یا خرد و در برابر بزه‌کاران کم‌تر خطرناک) پشتیبانی می‌کنند. به‌سخن دیگر، دست‌اندرکاران سیاست جنایی باید کوشش خود را به بیرون راندن قانون‌شکنان از سامانه رسمی دادگستری جنایی معطوف سازند و از برچسب زدن به آنان به‌منزله کژرو، سابقه‌دار و مانند این‌ها بپرهیزند. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای اسلامی که آن را در راستای مدل عدالت جنایی مداخله‌پرهیز می‌توان قلمداد کرد، «بزه‌پوشی» است که به موجب آن، واکنش کیفری یا ضمانت‌اجراهای جرم، به‌عنوان تنها راه مبارزه با پدیده مجرمانه پذیرفته نیستند و از این رو، اتخاذ شکل‌های گوناگونی در گریز از اجرای این پاسخ‌ها یا ضمانت‌اجراهای کیفری در نظر گرفته می‌شود (صادقی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). در همین راستا، مخفی نگه داشتن و نهان سازی جرم به عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلامی مطرح شده است. مهم‌ترین جلوه بزه‌پوشی اسلامی عبارت است از سیاست کیفرزدایی بر پایه قاعده درأ. سیاست حبس‌زدایی در نظام حقوقی پس از انقلاب اسلامی ایران نیز نمونه دیگری از مدل عدالت جنایی مداخله‌پرهیز است که هم در سیاست‌های کلی نظام و هم در سطح قوانین موضوعه عادی (از جمله، قانون مجازات اسلامی) پذیرفته شده است (بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۳۵۸).

سیاست جنایی علوی هزار و چهارصد سال قبل از مکتب کلاسیک حقوق جزا، مشحون از آموزه‌های مداخله‌پرهیزی بوده است. در سیره علوی موارد متعددی نشانگر رویه حضرت بر عدم اثبات جرایمی از جمله زنا و لواط، به‌ویژه در موارد ارتکاب در غیر ملأعام، است. این رویکرد حضرت، با هدف

برابری (حسینی و همکاران، ۱۴۰: ۵۱) ایشان پس از بیعت مردم از تساوی حقوق سخن گفت و مهاجرین و انصار را با مسلمانان متأخر و حتی تازه‌مسلمانان در حقوق و حدود برابر دانست و فرمود: «مال از آن خداوند است و بین شما به تساوی تقسیم می‌شود؛ هیچ کس در این تقسیم بر دیگران برتری ندارد و برای متقین در روز قیامت بهترین اجر و ثواب خواهد بود. خداوند دنیا را اجر و ثواب متقین قرار نداد» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۷). تعبیر امیرالمؤمنین (ع) به «زندانی کردن امام بعد از اقامه حد، ظلم است» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۳۱۴/۶) نشانگر برابری خواهی، قاعده‌گرایی و عدم توسعه کیفر بر مجرم است. همچنین امام صادق (ع) فرمود: مردی را که کار حددار انجام داده بود و جراحات و کسالت و مانند آن داشت، نزد امیرالمؤمنین (ع) آوردند و حضرت امیر (ع) فرمود: «خروه حتی بیراً لا تنکا قروحه علیه فیموت و لکن اذا برئ حدناه: او را تا سلامت یابد، نگاه دارید و زخم‌هایش شکافته نشود زیرا می‌میرد؛ ولی آن زمان که خوب شد، او را حد خواهیم زد.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۴۴؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۳۳/۱۰). نیز ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه آورده که «سه چیز است که چون در قاضی باشد، قاضی نیست، اینکه نکوهش را خوش نداشته باشد و ستایش را خوش داشته باشد و از عزل خود بترسد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۲۷). امام علی (ع) فرمودند: «از قضات خود و نحوه کار آنها خبر گیر و بر عملکرد آنها نظارت کن.» (انصاریان، ۱۳۷۹: ۵۷۶)

در خوانش سنتی از فقه، «عدالت» به «ترک گناه کبیره و عدم اصرار بر گناه صغیره» تعریف می‌شود. این تعریف سنتی نیز به دلایل مختلف نمی‌تواند مبنایی برای تعریف عدالت در نظریه مدرن قضاوت قرار گیرد؛^۱ همچنان که بسیاری از گناهان (از منظر فقه)، «ردیلت قضایی» محسوب نمی‌گردند و موجه نیست مانع دستیابی شغل قضاوت شوند. از این رو، معنای قرآنی «عدل و قسط» تناسب بیشتری با «عدالت قضایی» دارد و آن را نمی‌توان به «عدالت فقهی» فروکاست. افزون بر آن، در بحث از «آداب قاضی» نصوص مهمی (حرّ عاملی، ۱۳۹۷: ۱۵۵) درباره «نفی ظلم» به چشم می‌خورد که

^۱ - برای مطالعه بیشتر پیرامون اغلب این دلایل، بنگرید به: سمائی، مهدی؛ حبیب‌زاد، محمدجعفر و نوبهار، رحیم (۱۴۰۱)، «قاضی فضیلت‌مند؛ سهم فضیلت‌گرایی در نظریه قضاوت»، *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۱۸: ۴۹-۷۴.

از آنجا که در نظام کیفری اسلامی، گذشت و مهربانی مورد تأکید واقع شده است، مدل عدالت ترمیمی را می‌توان دارای جایگاه برجسته‌ای در این نظام تلقی کرد. برای مثال، در قرآن کریم به عنوان نخستین منبع حقوق و فقه اسلامی، پس از بیان حکم قصاص، صلح و گذشت از سوی صاحب حق مطرح شده است (بقره/۱۸۷؛ مائده/۴۵). وانگهی، مفاهیم و سازوکارهایی مثل قاضی تحکیم، میانجیگری و سازش، تشویق بزه‌دیده به عفو از کیفر در جرایم حق‌الناسی، پرداخت دیه قربانی از بیت‌المال، هدرنبودگی خون مسلمانان و... نمایان‌گر رویکرد ترمیمی در آموزه‌های اسلامی دانسته شده است (علیپوردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۳: ۳۴).

در منظومه فکری برساننده سیاست جنایی علوی، امیرالمؤمنین (ع) در مقام بیان اصرار و تأکید بر صلح و سازش فرموده‌اند: «بهترین اندرز (در قدم اول)، گذشت است. آنان که با شما قطع تعامل نمودند، شما متقابلاً تفضل کنید و ارتباط با ایشان را از نو برقرار کنید» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۱۲). از فرمایش امام علی (ع) چنین فهمیده می‌شود که در اصلاح ذات‌البین علاوه بر تلاش به واسطه‌شدن شخص میان دو شخص یا جماعت، شخصی که با دیگری نزاع و ستیز دارد، خود نیز پیشگام و مبتکر در سازش شود و درصدد اصلاح شیوه تعامل خود با طرف نزاع گردد، که این همانا نشانه برتری تفضل فرد پیشقدم و متواضع است. همچنین در زمان امام علی (ع)، دو طایفه (مردم «بمن» و مردم «ربیع») که با یکدیگر کینه و خصومت داشتند توسط حضرت و به همت ایشان، با انعقاد پیمان‌نامه‌ای صلح نمودند (مغنیه، ۱۳۸۷: ۱۹۶) و این میانجی‌گری ترمیمی و آشتی‌جویانه باعث پیشگیری از تداوم درگیری و قتال میان آن دو طایفه شد. همچنین حضرت امیر (ع) در مورد مردی که به قتل رسیده بود و قاتل او معلوم نبود، حکم نمودند که اگر مقتول اولیای دمی دارد، دیه‌اش از بیت‌المال مسلمین پرداخت شود، زیرا خون مسلمان به هدر نمی‌رود. و چون میراث او به امام می‌رسد پس دیه‌اش هم برعهده امام است. همچنین مولا علی (ع) درباره مردی که روز جمعه بر اثر ازدحام جمعیت از دنیا رفته بود، قضاوت فرمود که دیه او را از بیت‌المال مسلمین بپردازند (عاملی، ۱۴۰۱: ۱۰۹). همچنین نامه امام علی (ع) به مالک اشتر

دفاع از اجتماع بر پایه اصلاح بزهکار مبتنی است. تأکید و رویه حضرت بر عدم اثبات جرم زنا متمرکز است (عطاشنه و کیانی، ۱۳۹۸: ۱۰۹). در این رابطه، حضرت رفتار و سیاست مشابهی نسبت به زنی که نزد ایشان اقرار به زنا نمود و همچنین مردی که در پیشگاه ایشان به لواط اعتراف کرد اتخاذ نمود. حضرت (ع) آن‌ها را به توبه ترغیب فرمود و از ادای اقرار دوباره منع نمود؛ تا بدانجا که در مراجعات واپسین زن جهت اقرار مکرر، مولا علی (ع) از شناخت وی تجاهر فرمود و به لطایف‌الحیل سعی در پوشاندن قضیه داشت تا طرف را از اقرار خود برگرداند (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: ۱۳۹/۵). با توجه به اینکه زنا و لواط از شنیع‌ترین امور خصوصی و رازهای کاملاً نهان آدمیان است سیاست جنایی علوی در پی عدم اثبات این جرایم و تشویق مجرمان مستحق کیفر مرگ، به توبه و بازپروری است.

۲-۶- مدل عدالت جنایی ترمیمی

غایت دادگری جنایی در این مدل عبارت است از تثبیت و استقرار یک جامعه دادگرانه صلح‌آمیز، با این استدلال که سامانه دادگستری را باید انسانی‌تر ساخت. هدف دادگری جنایی باید بازگرداندن بزه‌کار به جامعه و بازیچه‌سازی یا بازهم‌نوآوری اجتماعی او باشد. پس صلح و سازش و میانجی‌گری باید جای کیفر و ضمانت‌اجراه‌های کیفری را بگیرند. هواداران این مدل بر این باور اند که اقدام سامانه دادگستری جنایی در کیفردهی (به‌ویژه با سیاست‌های کنترل جرم)، به‌جای پیش‌گیری، موجب جرم می‌شود (Braithwaite, 2000: 325). شیوه‌های تنبیهی (حتماً ضمانت‌اجراه‌های سالب آزادی)، که جنبه اصلاحی-بازپرورانه دارند، از تدبیرهای ترمیمی، انسان‌دوستانه‌تر و کارآمدتر نیستند. بنابراین، دادگری ترمیمی سه اصل بنیادی را هدف‌گیری می‌کند: ۱- جامعه، مالک تعارض و اختلاف حادث‌شده («رخداد جرم»، در این‌جا) است. ۲- بزه‌دیدگان شایسته جبران مادی، معنوی (و حتی نمادین) بزه‌دیدگی خویش‌اند. ۳- بزه‌کار باید امکان بازگشت یا بازهم‌نوآشنی با جامعه را داشته باشد (Siegel, 2012: 572).

با گذشت بیش از چهل سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی، مرور تجربیات نظام تقنینی و قضایی در این دوران نشان می‌دهد با وجود همه تلاش‌ها در جهت اصلاح مکرر قوانین ماهوی و شکلی کیفری در راستای پی‌ریزی یک نظام کیفری بومی، الگو و رویکرد منسجمی در تدوین قوانین و مقررات کیفری وجود ندارد. فقدان این الگو در سپهر سیاست جنایی ایران و در حوزه‌ای که به طور مستقیم با حقوق و آزادی‌های اشخاص در ارتباط است و باید حدود و ثغور دخالت قانون در حریم خصوصی و آزادی‌های افراد را معین کند، بسیار نگران‌کننده است. مضاف بر اینکه، سردرگمی و تغییر جهت قانونگذار که گاه با ترجمه صرف برخی متون فقهی به عنوان مواد قانونی و گاه با تمسک صرف به حقوق عرفی و مصلحت‌گرایی و گاه با عوام‌گرایی و تأثیرپذیری ناموجه از هیجان‌های روزمره و زودگذر اجتماعی، جلوه‌گر شده است، اقتدار نظام عدالت جنایی را تحت الشعاع قرار داده، هزینه‌های سنگین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز اعتقادی را بر کشور تحمیل می‌کند و راه را برای تفاسیر گوناگون و بعضاً متناقض از قوانین باز می‌نماید که نتیجه این امر، چیزی جز گریز نقض‌کنندگان قانون و ایادی آنها از چنگال عدالت و تضییع حقوق بزه‌دیدگان نخواهد بود.

با وجود سختی علمی (از حیث روش‌مندی پژوهش) از منظر تطبیق‌ناپذیری عدالت جنایی علوی با مدل‌های امروزی سیاست جنایی، اصول دقیقی همچون اصل اعتدال در کیفر، اصول دادرسی منصفانه، اصل تفکیک علت‌شناسی جنایی و اصول حکمرانی قضایی را می‌توان در عدالت جنایی علوی برجسته دید و به‌طور تقریبی، سخن از امکان نسبی مدل‌شناسی سیاست جنایی علوی گفت.

از این رو، مقاله حاضر بر پایه مفهوم کلیدی «عدالت جنایی»، مدل‌های مترتب بر آن را در یک الگوی شش‌گانه بررسی نمود. در پرتو رهیافت اسلامی به عدالت جنایی، این مقاله یک مدل عدالت جنایی اسلام‌نگر را معرفی کرد که منظور از آن، بازتعریف عدالت جنایی با معیار آموزه‌های اسلامی یا همان قانونمندی یا قانون‌روایی و اجرای قانون با معیار آموزه‌های اسلامی است. وانگهی، مشخص شد که مدل

(نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳) آکنده از آموزه‌های عدالت‌ترمیمی است. برای نمونه، عبارت امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر: «در قلب خود را از رحمت و محبت و لطف به مردم پرکن و در مورد آنان مانند حیوان درنده‌ای که خوردن اشیاء را غنیمت می‌شمارد، نباش. پس آنان دو گروه‌اند: یا برادران دینی تو‌اند و یا هموعان تو در خلقت‌اند. گناهی از ایشان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته یا ناخواسته خطایی بر دستشان می‌رود. به خطایشان مگر و از گناهشان درگذر؛ چنانکه دوست داری خدا بر تو بیخشايد و گناهت را عفو فرماید.» پرواضح است مؤلفه‌های بخشش، شرم، مهرورزی بجای سزادهی - که از عناصر اصلی عدالت جنایی ترمیمی هستند - در خطبه ۵۳ نهج‌البلاغه موج می‌زند. به همین خاطر است که پژوهش‌ها تصریح کرده‌اند «امیرالمؤمنین (ع) با نگاهی جامعه‌شناسانه و واقع‌بینانه، پدیده‌ها و ساختار اجتماعی را مورد توجه قرار داده» (نوری، ۱۳۹۹: ۲۳۴) و این نشانگر غلبه عدالت جنایی ترمیمی بر عدالت جنایی سزاگرا در سیره قضایی و سیاست جنایی علوی است.

نتیجه‌گیری

واکاوی در معنای سیاست جنایی در پرتو پیرایش اصطلاح علمی «سیاست جنایی» از انبوهی از یکسان‌نگاری‌ها و مترادف‌پنداری‌های ناروا و ناشی از بی‌دقتی تحقیقی میسر است. نه سیاست‌ها و مصالح حاکم بر فقه کیفری اسلام را می‌توان عیناً همان نظام سیاست جنایی اسلامی نامید، نه مدل‌های فرانسوی و آنگلساکسونی و اروپای قاره‌ای جرم‌پاسخ دولتی - جامعی را می‌توان در آیات و روایات مورد این‌همانی قرار داد. توهّم «آرمان استغنا» از تجارب جهانی گذشته است؛ همچنان که دوران نظریه‌های جهان‌شمول و عظمت‌شعار اما ناکارآمد در کاهش دشواره‌های زندگی بشر - از جمله، دشواره بزهکاری - نیز سپری شده است. میان نص (فقهی)، دکترینی حقوقی غربی یا هر متن مقدس یا عرفی (علمی) و واقعیت، باید تعاملی نظام‌مند برقرار کرد؛ باید از ذخایر و موارث تمدن‌ها با توجه به بستر اجتماعی و حقوقی و اقتصادی و... مرتبط با هر یک بهره جست و طرح‌واره سیاست جنایی بومی بر اساس «نظریه با بُرد متوسط» را ارائه کرد.

عدالت جنایی اسلام‌نگر، الگویی است که با داشتن ویژگی‌های مدل‌های معاصر عدالت جنایی، رویکرد اسلامی را به‌منزله معیار خود بردارد. بدین‌سان، مدل عدالت جنایی اسلام‌نگر در پرتو الگوی شش‌گانه عدالت جنایی، زنجیره‌ای از مدل‌ها را دربرمی‌گیرد که می‌توان آن‌ها را از مدل کنترل جرم، فرایند قانونی، اصلاح و بازپروری، تا مدل برابری‌خواه و عدالت‌ترمیمی دسته‌بندی کرد.

نامه‌ها و خطبه‌های برجای‌مانده از حضرت امیر (ع) آشکار نشانگر توجه به شیوه‌های متنوع غیرکیفری در اصلاح امور و دفع شرور و کنترل کژروی‌های جرم‌زا از سپهر مومی جامعه اسلامی است. متون پیش‌گفته، ابعاد و جوانب متنوع روابط سیاسی و اجتماعی را پوشش داده و بایسته‌های اصلاح امور امت و حذف زمینه‌های کژروی و تعدی را شامل شده است. این فرمان‌ها و حکمت‌ها، گستره گسترده‌ای از موضوع‌ها شامل تأمین اجتماعی، پاسداشت امنیت عمومی، منع فشار اقتصادی به مردم، تمهید تساوی در برابر قانون، نظارت بر قضات و کارگزاران حکومت اسلامی، کنترل خطرناکی مجرمان و منع تعدی در کیفر می‌شود؛ که منظومه معرفتی «سیاست جنایی» علوی را بر می‌سازد و معطوف به غایات عدالت جنایی اسلام می‌شود. در سیره حضرت امیر (ع)، واکنش‌های کیفری تنها رهیافت مقابله با معاصی و محرّمات نبوده و حضرت صرفاً در مواقع خاص، به واکنش کیفری متوسل شده‌اند. اساساً تدابیر کیفری در سیاست جنایی علوی، از جمله «عناوین ثانوی و فرعی» بوده است و در اندیشه و سیره ایشان، کیفر تعزیری تابع مفسده‌های ناشی از خطرناکی بزه بوده است، نه دائرمدار حرمت جرم. از این رو، سیاست جنایی علوی، از میان مدل‌های شش‌گانه مشروح در مقاله، بر چهار مدل بازپروری و عدالت‌ترمیمی، مداخله‌پرهیزی و برابری‌خواه گرایش داشته و بر دو مدل دیگر (کنترل جرم و فرایند قانونی) رغبت نداشته است.

سند تحول قضایی (۱۳۹۹) سند بالادستی راهبردی قوه قضائیه و دارای آموزه‌های نظری و الزامات عملی اصلاح نظام جذب قضات است. در این سند، ۵۳ مرتبه عبارت «منابع انسانی» و ۶۳ بار واژه «قضات» به کار رفته است. در مورد

معضل «روزآمدنبودن بخش‌هایی از نظام‌ها و فرایندهای دادرسی متناسب با قضای اسلامی» در این سند، نخستین راهکار از نوع راهبرد هم‌افزایی اندیشمندان، همانا «بازطراحی نظام دادرسی مبتنی بر الگوی قضای اسلامی» عنوان شده است. در راستای ارتقای منابع انسانی قضایی، توسعه منابع انسانی قوه قضائیه در پایه‌های قضایی در گرو توجه به این مهم در تدوین الگوی قضای تراز جمهوری اسلامی ایران است که عدالت در لایه‌های ساختاری و سلسله‌مراتبی سازمان عامل مهمی است که نقش غیرقابل‌انکاری در توسعه قضایی دارد.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام‌شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل‌گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش و تنظیم مقاله تماماً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ابن‌ابی‌الحدید، أبو‌حامد (۱۴۰۴). شرح نهج‌البلاغه. به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد هفتم، چاپ اول، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

- ابن‌حجاج نیشابوری، مسلم (۱۳۹۷). صحیح مسلم. جلد دهم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- انصاریان، حسین (۱۳۷۹). ترجمه نهج‌البلاغه. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام آزادی.

- بهادری جهرمی، علی و حسینی، سیده‌لطیفه (۱۳۹۳). «اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی». *دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، (۳): ۷-۳۲.
- بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶). «سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه راهبرد*، (۲۶): ۳۵۷-۳۸۲.
- پارسنیا، حمید؛ هلالی، فاطمه و موسوی اصل، سیدسعید (۱۳۹۷). «دیدگاه یوزف شاخت به فقه اسلامی به مثابه دانش اجتماعی». *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، (۵): ۴-۳۴.
- پیرنیاکان، امیر (۱۳۹۹). بررسی لزوم استقلال در دستگاه قضایی ایران با محوریت حفظ‌شان و تکریم قضات، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1150670/>
- پیرنیاکان، امیر؛ اسماعیلی، مهدی و احسانپور، سیدرضا (۱۳۹۹). «وظایف حمایتی دستگاه قضایی در پیشگیری از آسیب‌های شغلی قضات در ایران». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، (۲۳): ۳۵۹-۳۸۲.
- جاویدی، مجتبی؛ کاظمی، رحیم و آتشی، زهرا (۱۴۰۱). «روش‌شناسی مواجهه امام علی (ع) با محرّمات فاقد کیفر معین؛ نقدی بر اطلاق قاعده‌التعزیر لکل حرام». *پژوهش‌نامه علوی*، (۱۳): ۶۱-۹۱.
- جعفری، فریدون (۱۳۹۲). «عدالت کیفری از دیدگاه علوی». *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، (۱): ۱۹-۳۲.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران». *فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)*، (۳۹): ۸۳-۱۰۴.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۳۹۷). *وسائل الشیعه*. تحقیق و تعلیق محمد الرازی، جلد هجدهم، تهران: دارالمکتبه‌الاسلامیه.
- حسینی، سیدمحمد؛ ترابی، محمد؛ رضوی، سیدمحمد و حبیبی سوادکوهی، صابر (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی جایگاه اقشار آسیب‌پذیر از دیدگاه دولت علوی با حقوق بشر و جامعه بین‌المللی». *پژوهشنامه علوی*، (۱۲): ۳۱-۶۷.
- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۱). «دشواری تعامل نص و واقعیت در بر ساخت سیاست جنایی ایران». *فصلنامه سیاستگذاری عمومی*، (۸): ۷۹-۹۲.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۴). «ارائه الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی». *فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی*، (۳): ۱۰۱-۱۴۶.
- رضائی، مهران و میراحمدی، منصور (۱۳۹۷). «تناسب عدالت و قدرت با تداوم نظام سیاسی در کلام نهج‌البلاغه». *پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، (۱۷): ۱۰۷-۱۳۲.
- زرگوش‌نسب، عبدالجبار و عباسی، حشمت‌اله (۱۳۹۹). «علل و موجبات جرم و راهبردهای مقابله با آن در نهج‌البلاغه». *پژوهشنامه علوی*، (۱۱): ۱-۲۰.
- سمائی، مهدی؛ حبیب‌زاد، محمدجعفر و نوبهار، رحیم (۱۴۰۱). «قاضی فضیلت‌مند؛ سهم فضیلت‌گرایی در نظریه قضاوت». *مجله حقوقی دادگستری*، (۸۶): ۴۹-۷۴.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۷۸). «بزه‌پوشی». *مجله حقوقی دادگستری*، (۶۳): ۱۶۱-۱۹۲.
- صدریه، پیام (۱۳۹۸). «تحلیل همبستگی اجتماعی در اندیشه‌های حکومتی امام علی (ع) و مقایسه آن با نظریه همبستگی امیل دورکیم». *فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، (۱۸): ۱۶۷-۱۸۸.
- صمدوند، سجاد و طالب‌زاده، حمید (۱۴۰۰). «واکوی رهیافت‌های پیشگیرانه از جرم از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه». *پژوهشنامه علوی*، (۱۲): ۶۹-۹۶.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسین (۱۳۶۵). *تهذیب‌الاحکام*. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- عاملی، محمد (۱۴۰۱). *وسائل الشیعه*. جلد یازدهم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- عطاشنه، منصور و کیانی، امین (۱۳۹۸). «عدالت ترمیمی در اندیشه امام علی (ع)». *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، (۷): ۹۹-۱۱۶.

- علیوردی‌نیا، اکبر و حسنی، محمدرضا (۱۳۹۳). «شمساری بازپذیرکننده به مثابه راهبرد فرهنگی در کنترل جرم». فصلنامه راهبرد/اجتماعی فرهنگی، (۳) ۱۰: ۷-۳۸.
- غفاری‌المشیری، عیسی؛ اسماعیلی، مهدی و حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن (۱۴۰۰). سیاست کیفری مقابله با جرایم یقه‌سفیدان در گفتار و سیره امام علی (ع). فصلنامه کارآگاه، (۱۵) ۵۶: ۱۶۷-۱۸۴.
- فاضل لنگرانی، محمد (۱۳۷۳)، آئین‌کشورداری از دیدگاه امام علی (ع). قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فولادی، حفیظ‌الله و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۴). «مجازات، آخرین راهکار کنترل انحرافات اجتماعی، با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه». فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، (۵) ۲: ۳۸۴-۴۰۴.
- قپانچی، حسام و دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۱). «الگوهای دوگانه فرایند کیفری: کنترل جرم و دادرسی منصفانه». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۴: ۱۶۷-۱۸۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. جلد هفتم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). بحار الأنوار. ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: انتشارات ولی عصر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۷). فی ظلّ نهج‌البلاغه. تحقیق و پژوهش سامی الغزیری. ترجمه محمدجواد معموری، جلد چهارم، قم: دارالکتب الإسلامیة.
- ملکوتی‌فر، ولی‌اله، ساربان‌نژاد، علی (۱۳۹۰). «پرتویی از آراء فقهی امیرالمؤمنین (ع) در کلیات حدود و گذری بر آن در قانون جزای اسلامی». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، (۷) ۲۵: ۱۴۱-۱۶۸.
- مهرا، نسرین؛ مؤذن، عباس و قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۶). «تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، (۶) ۲۰: ۱۰۵-۱۴۰.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۹). «اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع)» فصلنامه علوم انسانی (دانشگاه امام حسین (ع))، ۳۴: ۲۵-۴۰.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد و روحانی، سمیه (۱۳۹۱). «شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) با رویکردی بر آرای امام خمینی (س)». پژوهشنامه متین، (۱۴) ۵۴: ۱۹-۴۳.
- موسوی‌فرد، سیدمحمدرضا (۱۴۰۰). جرم‌شناسی اسلامی؛ گرایش نوین حقوق کیفری ایران و جهان اسلام. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- میرخلیلی، سیدمحمود و حسنی، محمد (۱۳۹۷). «سیاست جنایی افتراقی در سنت علوی با تأکید بر عهدنامه مالک». فصلنامه حقوق اسلامی، (۱۵) ۵۸: ۱۴۵-۱۷۳.
- نوری طبرسی، حسین‌بن محمدتقی (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد هجدهم، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- نوری، فاطمه (۱۳۹۹). «بازتاب آموزه‌های نهج‌البلاغه در جرم‌شناسی علت‌شناختی». دوفصلنامه کتاب قیّم، (۱۰) ۲۳: ۲۲۱-۲۴۰.
- ب. منابع انگلیسی**
- Criminal Justice Policy Review (CJPR), at <https://journals.sagepub.com/home/cjp> (September 6, 2023)
- Lane, J. et al. (1998). "Criminal Justice Policy. The International Library of Comparative Public Policy series". EE Elgar Publishing, at <https://www.e-elgar.com/shop/gbp/criminal-justice-policy-9781858985688.html> (2023/6/10).
- Roach, K (1999). "Four Models of the Criminal Process". *Journal of Criminal Law and Criminology*. 89(2): 671-680.
- Siegel, L.J. (2021). *Criminology*. 19th Ed., USA: Wadsworth.